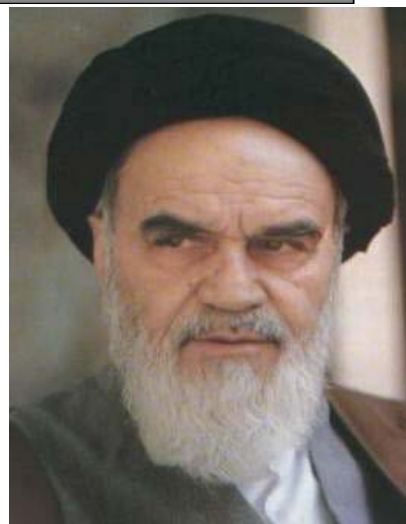
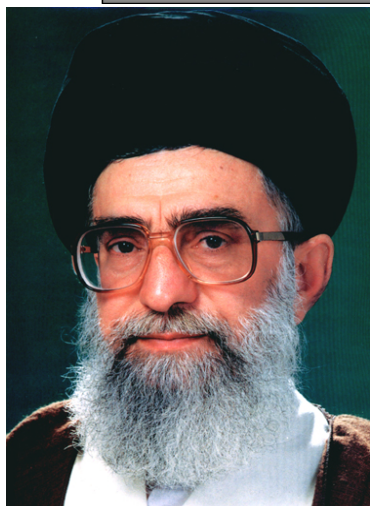


# بِسْمِ رَبِّ الشُّهُدَاءِ وَالصِّدِّيقِينَ



## رهروان شهدا بخوانند



دانش آموز شهید

مرتضی

بابائیان



دانش آموز شهید

حسن

بابائیان



## وصیتنامه شهید مرتضی بابائیان

بسم رب الشهداء و الصدیقین

من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبنی و من احبنی عشقنی و من عشقنی  
عشقتہ و من عشقتہ قتلته و من قتلته فعلی دیتہ و من علی دیتہ فانا دیتہ

هر کس که مرا طلب کند خواهد یافت و هر کس که مرا بیابد مرا خواهد شناخت و هر کس مرا بشناسد مرا دوست دارد و هر کس مرا دوست دارد عاشقم خواهد شد و هر کس که عاشقش شود عاشقش خواهم شد و هر کس که عاشقش کردم او را خواهم کشت و هر کس را که بکشم دیه او را بر گردن خواهم گرفت و هر کس که دیه اش بر گردن من باشد دیه اش را خواهم پرداخت.

«حدیث قدسی»

به نام الله حافظ حرمت **خون شهیدان** که سرنوشت انسان به دست اوست. اوست که می میراند و زنده می کند.

با درود فراوان بر خاتم انبیاء و اهل بیتش و با سلام بر مهدی (عج) موعود منجی انسانها و نائب بر حقش رهبر کبیر انقلاب امام خمینی و تمامی شهدا و خانواده آنانکه فرزندان خود را در راه بدست آوردن آرمانهای اصیل اسلامی از دست داده اند و با سلام بر ملت قهرمان ایران و با سلام بر مادر، برادر و خواهر عزیز خود و دوستان و آشنایان %

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَآخَرُوا مِن دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ... «آل عمران آیه: ۱۹۵»

آنانکه از وطن هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون شده ، در راه خدا رنج کشیده و جهاد کرده و کشته شدند ، همانا گناهان ایشان را (در پرده لطف خود) بیوشانیم و آنها را به بهشتهایی در آوریم که زیر درختانش نهرها جاری است ، این پاداشی است از جانب خدا...»

### ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد. امام خمینی

انسان بنا بر مسئولیتی که بر دوش او گذاشته شده است، باید این مسئولیت را که پاسداری از خون هزاران شهید و مجروح و معلول است به انجام رساند و من نیز بنا بر مسئولیتی که حس نمودم برای الله و برای پاسخ دادن به ندای «هل من ناصر ینصرنی» حسین(ع) به جبهه های جنگ که به قول امامان انسان را به یاد صدر اسلام می اندازد آمدم تا با کفار به جهاد پردازم و اگر در این راه کشته شدم که چه سعادت از این بالاتر که در راه خدا و برای خدا کشته شده ام و به جایی می روم که آنجا را بهشت نامند و اگر قرار باشد که روزی من بمیرم هرگز نمی خواهم که در بستر مرگ بمیرم بلکه مرگ سرخ و شهادت در راه خدا را ترجیح می دهم، اما افسوس که سالها از عمرم گذشت ولی هنوز مانند آب راکدی هستم. زیرا تا به حال از این همه نعمتی که خداوند به ما داده سپاسگذاری نکرده ام و شرمنده ام از اینکه به سخنان امام خود توجه درستی نکرده ام و کلیه فرامینی را که بر یک مسلمان واجب است انجام نداده ام %

واما درود بر تو ای مادرم که با امضا کردن رضایتنامه در حقیقت شهادتنامه من را امضا نمودی و مبادا ناراحت باشی، همیشه دریاد خدا باش زیرا یاد خدا قلبها را آرامش می بخشد و چون کوه استوار و سرافراز باشی و هر گاه که خواستی برای من گریه کنی دلت را به کربلا ببر و بیاد حسین(ع) و اهل بیت او گریه کن و همیشه فریاد لااله الاالله و الله اکبر خمینی رهبر را بلند کن که پیام شهیدان را به مردم رسانده ای.%

**و اما تو ای خواهرم؛ مانند زینب(س) باش و مانند زینب(س) زندگی کن و مسئولیت خویش را در قبال این انقلاب و امام به انجام رسان و همیشه حجابت را سنگر خود قرار ده، زیرا خواهرم حجاب تو برنده تر از خون من است %**

و شما ای برادران عزیزم محمد، اصغر و حسن؛ شما ادامه دهنده راه شهدا باشید و راه مرا ادامه دهید و همیشه در پی تهذیب نفس خود باشید که باعث خواهد شد به خدا نزدیک شوید و در پی این باشید که اسلام را احیا کنید %

**و پیامم به دوستان، آشنایان و ملت شهید پرور ایران این است که پشتیبان ولایت فقیه و امام باشید و سخنان امام را بر قلبهایتان جاری سازید و با جان و دل پیرو امام باشید و مواظب باشید که این منافقین مبادا به اسلام ضربه بزنند و بر عهده شماست که آنان را از صفحه روزگار براندازید. ادامه دهنده راه شهدا باشید. در این صورت است که خدا و رسول او و شهیدان از شما راضی خواهند بود. در غیر این صورت مدیون خون شهدا هستید.**

**و تو ای خواهر و برادر محصلم تو در سنگر مدرسه و من در سنگر جبهه و قلم سلاح تو و اسلحه سلاح من است و هر دوی ما در پی یک هدفیم و آن هم اسلام و خداست. پس بیدار باش و قلمت و کتابت را محکم در دستانت بفشار و در مقابل هر گونه انحرافی بایست و سعی کن همیشه کار را برای خدا انجام دهی.**



چند تذکر که در پایان دارم:

۱- ۱۰۰ تومان پولی را که در دفترچه ام دارم، به حساب دولت بریزید.

۲- حتی الامکان از گذاشتن حجله خودداری کنید.

۳- در **شهادت** ام ای مادر و ای خواهر و ای برادرم و دوستان و آشنایانم به هیچ

وجه پیراهن سیاه نپوشید، زیرا مرگم آگاهانه بوده.

۴- مجلس ختم مرا در مسجد امام جعفر صادق (ع) برگزار کنید و از حجه

الاسلام قاضوی نیز برای سخنرانی دعوت کنید.

در پایان از کلیه دوستان و آشنایانی که موفق به دیدار آنها نشده ام حلالیت می طلبم.

والسلام

امام را دعا کنید.

«خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار»

مرتضی بابائیان

۱۳۶۱/۱/۲



شهید دانش آموز حسن بابائیان  
سال تولد: 1348  
محل شهادت: خرمشهر - شلمچه  
محل دفن: بهشت زهرا - قطعه ۲۶



شهید دانش آموز مرتضی بابائیان  
سال تولد: 1344  
محل شهادت: ایستگاه حسینیه خرمشهر  
محل دفن: بهشت زهرا - قطعه ۲۶

## شلمچه گلزار اسماعیل‌های ایران

بزرگ‌ترین دارایی انسان که می‌تواند آن را در راه رضای دوست فدا نماید همان جان اوست؛ آنچه نزد ماست نابود شدنی و فانی است در حالی که آنچه در راه خداوند داده شود نزد او باقی است و حیات عند الرب می‌یابد.

### مرید پیر مغان

می‌گویند دو ادیب فاضل که عمر خود را در بحث و درس و مطالعه و مکاشفه سپری کرده بودند، روزی اندر مقصود حضرت حافظ از این بیت:

### مرید پیر مغانم ز من مرنج ای شیخ چرا که وعده تو کردی و او بجا آورد

با یکدیگر گفتگو می‌کردند و در نهایت، برداشت آنها از این بیت آن شد که منظور خواجه شیراز از پیر مغان همانا حضرت مولا علی (ع) بوده و منظور از شیخ همانا حضرت آدم ابوالبشر. بدین ترتیب حضرت حافظ خواسته است به آدم ابوالبشر بگوید که از آن رو مرید مولا علی است که آدم در بهشت وعده داد که به سراغ میوه ممنوعه (گندم) نرود ولی رفت اما مولا علی در تمام عمر خود هیچگاه از نان گندم تناول نکرد و همواره نان جوین می‌خورد.

چندی بگذشت و یکی از آن دو ادیب رخ در نقاب خاک کشید. مدتی بعد شبی به خواب دوستش آمد و گفت که در عالم برزخ حضرت حافظ را ملاقات کرده و منظورش از بیت مذکور را جويا شده است. و لسان‌الغیب در پاسخ گفته که تفسیر آنان از این بیت ناصواب بوده است و سپس به بیان مقصود خود پرداخته بود که:

مراد از پیر مغان همانا سیدالشهدا امام حسین (ع) است و شیخ همانا حضرت ابراهیم خلیل. چرا که ابراهیم به خداوند وعده داد که اسماعیلش را قربانی کند در حالی که خواست خداوند بدان تعلق نگرفت و امام حسین نه تنها فرزندانش را به قربانگاه برد، که خود را نیز قربانی نمود. **وَقَدْ يٰنَاهُ بِذِيحٍ عَظِيمٍ** فضل بن شاذان گوید: از حضرت رضا علیه السلام چنین شنیدم که آن زمان که خداوند تبارک و تعالی به حضرت ابراهیم علیه السلام امر فرمود که بجای فرزندش اسماعیل، گوسفندی را که خداوند فرستاده بود ذبح نماید، حضرت ابراهیم علیه السلام در دل آرزو کرد که ای کاش فرزندش اسماعیل علیهما السلام را به دست خود ذبح می‌کرد و دستور ذبح گوسفند بجای ذبح فرزندش به او داده نشده بود، تا به این وسیله احساس پدری را که عزیزترین فرزندش را به دست خود ذبح می‌کند، داشته باشد و در نتیجه شایسته رفیع‌ترین درجات ثواب در صبر بر مصائب شود.

خداوند عزّ و جلّ نیز به او وحی فرمود که: ای ابراهیم! محبوبترین خلق من، نزد تو کیست! ابراهیم گفت: خدا! یا مخلوقی خلق نکرده‌ای که از حیبت محمد صلی الله علیه و آله نزد من محبوبتر باشد، خداوند به او وحی فرمود که: ای ابراهیم آیا او را بیشتر دوست داری یا خودت را؟ او گفت: نه، او را بیشتر دوست دارم، خداوند فرمود: آیا فرزند او را بیشتر دوست داری یا فرزند خودت را؟ عرض کرد: فرزند او را، خداوند فرمود: آیا بریده شدن سر فرزند او از روی ظلم، به دست دشمنانش دل تو را بیشتر به درد می‌آورد یا بریدن سر فرزندت به دست خودت بخاطر اطاعت از فرمان من؟ گفت: بریده شدن سر فرزند او به دست دشمنانش دل مرا بیشتر به درد می‌آورد، خداوند فرمود: گروهی که خود را از امت محمد صلی الله علیه و آله می‌دانند، فرزندش حسین را به ظلم و ستم به مانند گوسفند ذبح خواهند کرد و با این کار مستوجب خشم و غضب من خواهند شد، ابراهیم علیه السلام بر این مطلب جزع و فزع نموده، دلش به درد آمد و شروع به گریه کرد، خداوند عزّوجلّ هم به او چنین وحی فرمود: ای ابراهیم! به خاطر این ناراحتی و جزع و فزع بر حسین و قتل او، ناراحتی و اندوهت بر اسماعیل را - در صورتی که اگر او را ذبح می‌کردی - پذیرفتم، و رفیع‌ترین درجات ثواب، در صبر بر مصائب را به تو خواهم داد، و این همان مطلبی است که آیه «وَقَدْ يٰنَاهُ بِذِيحٍ عَظِيمٍ» (ذبح بزرگی را جایگزین او کردیم - صافات: ۱۰۷) بدان اشاره دارد.<sup>۱</sup>



## در امتداد کربلا

اما ابراهیم علیه السلام در مورد قربانی کردن فرزندش چیزی به هاجر نگفت که نکند محبت مادری او مانع از انجام حکم و دستور خدای تبارک و تعالی شود اما ما در زمانمان صحنه های بسیاری را از مادران شهیدی سراغ داریم که نه تنها یک فرزند بلکه چندین فرزند خود را در راه سربلندی اسلام و اجرای فرمان الهی امام به قربانگاه فرستادند و مادر شهیدی که تنها فرزندش را فدای اسلام کرد و خم به ابرو نیاورد.

**شهید حسن بابائیان** در وصیتنامه خویش خطاب به مادرش می گوید:

شهید حسن

" سلام بر تو ای مادر که بهشت زیر پای توست. سلام بر تو ای مادر که فرزند خود را راهی به جبهه کردی به خدا قسم که ای دشمنان اسلام نظاره کنید این قهرمان مادرانی که فرزندان خود را به جبهه می فرستند و خود هیچ دریغی از لحاظ مالی و جانی ندارد. آری مادر جان یادت هست می گفتمی به جبهه برو مبادا دشمن فکر کند که ما خانواده شهدا دیگر فرزندان خود را فدای امام و اسلام نمی کنیم. مادر جان این سخنان را با اشک و خون خود می نویسیم. مادر جان مرا بیخشد که نتوانستیم زحماتی که برای من کشیدی جبران کنم می دانم که اگر من به شهادت برسم تو گریه ای که می کنی بیاد شهدای کربلا و آقایمان حسین (ع) است."

و شلمچه گلزار اسماعیل هایی است که در راه رضایت محبوب سر از پا نشناختند و سر و جان برایش باختند تا بار دگر نشان دهند سربلند بیرون آمدن از امتحان الهی را و زنده کنند نام شهدای کربلا و نام علی اکبر را و بار دیگر ثابت کنند در جایی که راه ما راه حق و حقیقت باشد از قربانی شدن برای دوست واهمه ای نداریم که ما پیروان ابراهیم و عاشقان حسینیم.

پی نوشت :

۱-عیون أخبار الرضا ع-ترجمه غفاری و مستفید، ج ۱، ص: ۲۳۷ و ۲۳۸

منبع: بخش فرهنگ پایداری تبیان منبع: وبلاگ سرباز صفر جنگ نرم

## اعجاز در ولادت و شهادت ۲ برادر

به زندگی نامه ، سال تولد ، سن در لحظه شهادت ، رمز عملیات ، تاریخ شهادت و مشترکات زندگی این دو برادر شهید توجه کنید؛ شاید شما هم مثل من چندبار شروع به مقایسه کردید و به نتایج جالبی رسیدید ولی شگفت آورتر از همه وصیت نامه های عرفانی این برادران ۱۷ ساله است که به اوج شناخت و عرفان دست یافته اند. آنجا که از عشق به معبود می گویند و آنجا که از شهادت می نویسند . از نجواهایشان برای دل داغدار مادر و توصیه های برادرانه شان برای عزیزان. چه زیبا با این سن کم، حجاب را معنا کرده اند و چه زیبا پشتیبانی از ولایت را می آموزند. باشد که رهرو راهشان گردیم و با یادشان و عمل به توصیه های والایشان خجالت زده خون شهدا نباشیم.

زندگینامه و محل دفن شهید مرتضی بابائیان

**میزان تحصیلات هنگام شهادت: دانش آموز سال سوم نظری / سال تولد: ۱۳۴۴ / نام پدر: شیرعلی (در سال ۱۳۵۷ به رحمت ایزدی پیوست. روحش شاد) / محل شهادت: ایستگاه حسینیه خرمشهر / تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۲۶ / خط شکن عملیات بیت المقدس (آری جی زن) / با رمز یا علی ابن ابی طالب / محل دفن: تهران بهشت زهرا - قطعه ۲۶**

: زندگینامه و محل دفن شهید حسن بابائیان

**میزان تحصیلات هنگام شهادت: دانش آموز سال سوم نظری / سال تولد: ۱۳۴۸ / نام پدر: شیرعلی (در سال ۱۳۵۷ به رحمت ایزدی پیوست. روحش شاد) / محل شهادت: خرمشهر - شلمچه / تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۶ / خط شکن عملیات کربلای پنج (آری جی زن) / با رمز یا زهرا (س) / محل دفن: بهشت زهرا قطعه ۲۶**

منبع: بخش فرهنگ پایداری تبیان





## وصیتنامه شهید حسن بابائیان

### بسم رب الشهداء والصدیقین

فالدین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اودوا فی سبیلی و قاتلوا و قتلوا لا کفرن عنهم سیئاتهم و لادخلهم جنات تجری من تحتها الانهار ثواباً من عندالله و الله عنده حسن الثواب.

«سوره آل عمران آیه 195»

آنانکه از وطن خود هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون شده‌اند و در راه خدا رنج کشیده و جهاد کرده و کشته شدند همانا گناهان ایشان را بپوشانیم و آنها را به بهشت‌هایی در آوریم که زیر درختان آن نهرها جاری است، این پاداشی است از جانب خدا.

به نام الله پاسدار حرمت **خون شهیدان** و در هم کوبنده ستمگران که سر نوشت همه انسانها در دست اوست و با سلام و درود فراوان بر خاتم پیامبران (ص) و اهل بیتش (ع) و با سلام و درود بر منجی عالم بشریت مصلح جهانی آقا امام زمان (عج) و نایب بر حقش، پیر جماران، فرزند زهرا (س) امام خمینی پدر تمام فرزندان شهدا و یتیمی مانند مرتضی و حسن و با سلام بر خانواده شهدا که فرزندان خود را در راه اسلام اصیل از دست داده‌اند. بنا بر مسئولیتی که بر دوش هر انسانی گذاشته شده است و باید این مسئولیت را که پاسداری از خون هزاران شهید و



مجروح و معلول است به انجام رساند. بنا بر این مسئولیتی که داشتم برای رضای الله و برای پاسخ دادن به ندای «هل من ناصر ینصرنی» به جبهه رفتم و به خود ننگ می‌دانستم که ساکت بنشینم و به ندای امام و رهبرم لبیک نگویم. به خدا خجالت می‌کشیدم که در خانه بنشینم و هجرت یاران را نظاره گر باشم و این بود که طریق عشق را پیدا کردم و آخر به منزلگه مقصود رسیدم

### که منطق شهید سوختن و روشن کردن است.

اما افسوس و صد افسوس که سالها عمر از ما گذشت ولی هنوز مانند آب راکدی هستیم. خداوندا تو شاهی که حق هیچکس از دوستان و خانواده‌ام را ادا نکرده‌ام و ای کاش می‌توانستم حق ولی فقیه و رهبرم را اداء کنم، ای کاش می‌توانستم مفهوم گریه‌های نیمه شب امام را درک کنم. ای کاش دردی از دردهای این مردم معصوم را درمان می‌کردم و ای کاش می‌توانستم حق صحبت‌های دوستان را اداء می‌کردم.

خدایا هر کدام از این برادران که در جبهه به شهادت می‌رسیدند می‌دانی که زخمی بر قلبم به جا می‌گذاشتند تا جایی که خدایا، تقاضای مرگ می‌کردم و تنها وصایا و هدف آنها بود که مرا آرامش دیگر می‌بخشید.

خداوندا این دنیا برایم مانند یک قفس شده است و دوست دارم که از این قفس بیرون بیایم و به ملکوت اعلا پرواز کنم و **ای خدا اگر خواستی مرا به شهادت برسانی مرا تکه تکه کن** چون که من خجالت می‌کشم از خانواده‌هایی که فرزندان آنها مفقود و بی‌مزار هستند.

### اما سخنی دارم با مادرم:

سلام بر تو ای مادر که بهشت زیر پای توست. سلام بر تو ای مادر که فرزند خود را راهی به جبهه کردی، به خدا قسم که ای دشمنان اسلام نظاره کنید این قهرمان مادرانی که فرزندان خود را به جبهه می‌فرستند و خود هیچ دریغی از لحاظ مالی و جانی ندارد. **آری مادر جان یادت هست می‌گفتی به جبهه برو مبادا دشمن فکر**

کند که ما خانواده شهدا دیگر فرزندان خود را فدای امام و اسلام نمی‌کنیم. مادر جان این سخنان را با اشک و خون خود می‌نویسیم. مادر جان مرا ببخشید که نتوانستیم زحماتی که برای من کشیدی جبران کنم می‌دانم که اگر من به **شهادت** برسیم تو گریه‌ای که می‌کنی بیاد شهدای کربلا و آقایان حسین (ع) است و ضمناً می‌خواهم مادر جان ببینم که در **مجلس عروسی** من چگونه از میهمانان پذیرائی می‌کنی.

اما سخنانی با برادرانم و خواهرانم؛ شما اتکاء به خدا داشته باشید و اخلاقتان و ایمانتان را قوی کنید.

جمهوری اسلامی را که یک فریضه است حفظ کنید. بر همه ما اگر چنانچه این فریضه را بدرستی بخواهیم انجام دهیم باید همه با هم همراه باشیم بر همه واجب است دفاع از اسلام. شما هر چه در توان دارید بگذارید تا صحبت امام بر زمین نماند. و باید بر دشمنان بتازید تا آنها را از صحنه روزگار بردارید.

و ای برادرانم سعی کنید ساده زندگی کنید و ساده بپوشید که امثال اینها خصلتهایی است که بر مسئله زنده شدن دل کمک می‌کند و زنده شدن دل، به عشق به **شهادت** کمک می‌کند. برادرانم سعی کنید که هر چه می‌توانید مایه بگذارید در کارهای خیر که مبادا کاری از این مملکت عقب بیفتد.

و ای خواهرانم خواهش می‌کنم حجابتان را حفظ کنید زیرا از خون ما برنده تر است و مشتی بر دهن دشمنان اسلام است.

ای خواهرانم مانند زینب(س) صبر و شجاعت، ایمان و تقوی را پیشه کنید. و بر سختی‌ها غلبه کنید و خود را در مسائل دینی و عرفانی تقویت کنید و در دعای کمیل و توسل و نماز جمعه و جماعت شرکت کنید که با این دعاها است که خداوند به ما نظر دارد. اما ای دوستان و آشنایان یک وقت فکر نکنید که این دو شهید پدر نداشتند بلکه ما پدری داریم که جان خود را در راه او می‌دهیم. او پدرمان خمینی بت شکن است. ای برادران بیایید به جبهه‌ها که

جای انسان سازی است. بیا بید نگذارید **خون شهدا پایمال** شود و پرچم اسلام بر زمین بیفتد، ای جوانان به جبهه ها بیا بید و ثابت کنید که ما مرد جنگ هستیم. و اثبات کنید که مثل حسین (ع) وارد جنگ شدیم و مثل حسین (ع) به شهادت می رسیم ، امروز مسئولیت شما سنگین است. امروز احیاء خون **شهیدان** بدست شماست، کمی سستی در کارها کنید بدانید در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی و همه خونهای پاک باید جوابگو باشیم. با فریاد الله اکبر به جبهه ها بروید که همین فریاد الله اکبر بود که همه دشمنان و ابر قدرت ها را به لرزه در آورد و با این مسئولیت به جبهه بروید که امام زمان (عج) در کنار سربازان است و از یکدیگر سبقت بگیرید و تا می توانید خود را بسازید. ای برادران که به جبهه می آید بدانید که با ثبت نام کردن خود بلیط مسافرت گرفته اید و می خواهید سفر الی الله کنید و باید در حرکت باشید. و با این ثبت نام خود حیات دنیا را فروخته و حیات آخرت را خریده اید و شما فروشنده هستید و خدا خریدار شما.

و ای برادران الآن اگر شما به جبهه نیاید و به امام زمان (عج) و نایب او لبیک نگوئید و جبهه ها را پر نکنید خیانت کرده اید به اسلام و **خون شهیدان** و اگر ما امام را تنها بگذاریم و همانطوری که علی (ع) فرموده است " هر کس از جهاد کردن اجتناب کند و احتراز کند خدا لباس ذلت بر آنها می پوشاند " و برادران الآن مملکت ما در برهه حساسی قرار گرفته است اگر ما بخواهیم هرج و مرج به وجود بیاوریم و ناشکری کنیم خداوند لباس ذلت بر ما می پوشاند. سعی کنید در برابر سختی ها صبر کنید تا خداوند ما را بیامرزد و خداوند لعنت کند کسی را که ضد امام است و ناشکری می کند.

امیدوارم خداوند متعال عشق به **شهادت** را نصیب همه ما بکند و خداوند امام امت را که مربی این جامعه و مقدمه ساز ظهور امام زمان (عج) است و وکیل آن حضرت و برای ظهور آن حضرت مقدمه چینی می کند تا ظهور ایشان عمر امام عزیزمان را طولانی گرداند. و در آخر از تمام دوستان و آشنایان حلالیت می طلبم و از آنها می خواهم که فقط مرا دعا کنند تا خدا از گناهان من درگذرد.

در آخر چند تذکر دارم:

۱- ۱۰۰۰ تومان پولی که در دفترچه ام دارم ، به حساب ۱۰۰ امام بریزید.

۲- حتی الامکان از گذاشتن حجله خودداری کنید.

۳- از پوشیدن لباس مشکی خودداری کنید، چون که من آگاهانه به **شهادت**

رسیدم.

۴- نذر کرده ام که اگر سعادت پیدا کردم به جبهه بروم یک گوسفند بکشم

، خواهش می کنم جلوی جنازه ام بکشید.

۵- خواهش می کنم در حدود 6 ماه نماز قضاء و یک ماه روزه بدهکارم که بگیرید.

۶- من خیلی روضه "**علی اصغر و حضرت عباس و علی اکبر و حضرت قاسم و امام**

**حسین(ع)**" را دوست دارم ، خواهش می کنم برایم زیاد بخوانید.

۷- برای سلامتی امام صلوات.

۸- امام را دعا کنید.

باروح خدا عهد شکستن نتوان  
جنگ است برادران نشستن نتوان

از خیل دلاوران گسستن نتوان  
برخیز که یاران حسین در سفرند

«خدا یا، خدا یا، تا انقلاب مهدی خمینی را نکه دار»

حسن بابائیان

۱۳۶۵/۱۰/۱۸

**توجه:**

برای آشنائی با زندگی نامه ، مشاهده تصاویر (قبل و بعد از اعزام به جبهه، مراسم تشییع و خاکسپاری پس از شهادت و

تصاویر جنازه مطهر شهیدان) و کلیه اخبار مرتبط با "**شهیدان مرتضی و حسن بابائیان**" به وبلاگ فرهنگی و معنوی یا

کانال تلگرامی ذیل مراجعه فرمائید:



[www.shahidanbabaieian.blog.ir](http://www.shahidanbabaieian.blog.ir)

\*\*\*\*\*

[Telegram.me/shahidanbabaieian](https://t.me/shahidanbabaieian)